

معنای قرآنی «حکمت» منحصر در وحی نیست

وحی حکمت است، اما هر حکمتی حاصل نزول فرشته وحی نیست، بلکه ممکن است خداوند متعال از طریق بالا بردن عقل انسان...



وحی حکمت است، اما هر حکمتی حاصل نزول فرشته وحی نیست، بلکه ممکن است خداوند متعال از طریق بالا بردن عقل انسان، وی را به درجه حکمت برساند، همان‌طور که حضرت باری تعالی از طریق عقل به تمام انسان‌ها مجموعه‌ای از معلومات را می‌دهد که این همان حکمت مطابق با وحی است.

حجت‌الاسلام والمسلمین رضا برنجکار، عضو هیئت علمی پردیس فارابی دانشگاه تهران در گفت‌وگو با خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا) در رابطه با مفهوم حکمت در قرآن گفت: ابتدا درباره مفهوم واژگانی حکمت باید گفت که این واژه در لغت عرب دو معنای اصلی دارد که این دو با هم دیگر ارتباط معنایی نیز دارند؛ یعنی يك معنای اصلی دارد و معنای دوم هم با همان معنای اول مرتبط می‌شود. یکی از آن دو «منع؛ و دیگری نیز «محکم؛ است. اعراب به ابزاری که دهان حیوان را برای کنترل محکم می‌گیرد تا به مسیر نادرست نرود و در راه مستقیم حرکت کند، «حکمة اللجام؛ می‌گفتند.

وی با بیان این‌که این واژه هم معنای محکم بودن و هم معنای منع را در خود دارد، افزود: حکمت به آن مناسبت و علم و معرفتی گفته می‌شود که ابتدا به ساکن محکم باشد و ثانیاً انسان را از مسیر نادرست یعنی از انحراف باز دارد؛ به عبارت دیگر علم متقنی که انسان را به راه درست و تعالی و کمال سوق دهد، گویای همان معنای حقیقی حکمتی است که در قرآن کریم آمده است.

وی افزود: حکیم کسی است که حکمت دارد یا زیاد حکمت دارد؛ یا صفت مشابه است یا باید آن را صیغه مبالغه قلمداد کنیم و به هر صورت به معنای فاعلی حکمت است. در فرهنگ اسلامی به هرکسی که علم مهمی داشته، حکیم گفته می‌شده است؛ مثلاً به پزشک به واسطه اینکه به مداوای مردم می‌پرداخته یا به کسانی که به علوم فلسفه و کلام می‌پرداختند، حکیم می‌گفتند، چرا که تصور کسانی که این علم را ایجاد کرده بودند یا به ترجمه متون پرداخته بودند، بر این بوده که این علم نسبت به علوم دیگر از استحکام و اهمیت بیشتری برخوردار است.

برنجکار همچنین خاطرنشان کرد: در واقع اعراب حکمت را به علم مهمی که انسان را به سعادت و کمال می‌رساند، اطلاق می‌کردند. در اصل تعریف از حکمت، حاصل توجه آن‌ها به علم محکم و قوی‌ای بوده که انسان را به رهایی برساند و وی را از مردن، خواه مرگ روحی و خواه مرگ جسمی، نجات دهد و حکیم همان ناجی انسان بوده است.

این مدرس دانشگاه در پاسخ به پرسشی درباره تقسیم‌بندی قرآن از حکمت، گفت: تقسیم‌بندی روشن و مرزبندی شده‌ای از حکمت در قرآن موجود نیست، اما می‌توان مصادیق آن را تقسیم‌بندی کرد. مثلاً یکی از حکمت‌هایی که در قرآن آمده، دستوراتی است که لقمان حکیم به فرزندش می‌داده و ذیل عنوان حکمت جا گرفته است. با دقت در این دستورات می‌بینیم که در میان این بیانات از اعتقاد به خدا که امری توحیدی و نظری است وجود دارد تا مسئله‌ای مثل احترام به پدر و مادر که نکته‌ای عملی است و تمام این موارد در زمره حکمت جا گرفته‌اند. از این نکات می‌توان فهمید که حکمت اعم از این‌که در محور عملی باشد یا در محور نظری، با اتقانی که در خود دارد، انسان را به سعادت می‌رساند.

وی نسبت علم و حکمت در قرآن را عموم و خصوص مطلق دانست و اظهار کرد: هر حکمتی علم هست، اما هر علمی حکمت نیست و حکمت يك نوع علم خاص است که ما را به راه راست هدایت می‌کند. در روایات هم تعریف‌هایی که از حکمت آمده، غالباً همین تعریف‌های فوق‌الذکر است.

برنجکار در ادامه گفت: البته برخی نیز حکمت را کلام متقن یا وحی می‌دانند، اما اکثراً حکمت را کلام عقلی و علم ناشی از عقل دانسته‌اند، چون مستقلات عقلی علوم محکمی هستند که خللی در خود ندارند؛ مثل این حکم که ظلم قبیح است. این‌ها علوم محکم و متقن هستند. گاهی گفته شده که حکمت وحی است و لذا این‌ها همه مصداق‌هایی هستند که برای حکمت آورده شده است.

این مؤلف کتب دینی و فلسفی درباره نسبت بین وحی و حکمت خاطرنشان کرد: وحی حتماً حکمت است و در واقع ما وحی غیرحکمتی نداریم و نسبتی که مابین وحی و حکمت یا عقل و حکمت برقرار است، تساوی است. مطلب عقلی اگر واقعاً عقلانی باشد، برهانی و قطعی نیز هست و هر مطلب وحیانی اگر واقعاً وحیانی باشد با مطالب عقلی تناسب و تساوی دارد.

وی در نهایت اظهار کرد: هر وحیی حکمت است، اما هر حکمتی حاصل نزول فرشته وحی نیست و ممکن است کسی از طریقی غیر از وحی، مثلاً از طریق عقل به حکمت برسد. عقل می‌گوید که ظلم بد است و این حکمتی است که قرآن و روایات و وحی هم آن را تأیید می‌کنند و خلاف آن را نمی‌گویند. مثلاً آن‌چنان که در روایات ما آمده، لقمان پیامبر نبوده، ولی حکیم بوده است. خداوند متعال از طریق بالا بردن عقل او بدون آن‌که فرشته وحی به او نازل شده باشد، وی را به درجه حکمت رسانده است. همان‌طور که خداوند از طریق عقل به تمام انسان‌ها مجموعه معلوماتی عطا می‌کند؛ نظیر اینکه «ظلم بد است« و این همان حکمتی است که با وحی هم مطابقت دارد.